

واکاوی اندیشه‌های اعتقادی میرزا محمد اخباری از دیدگاه میرزا اسدالله شهرخواستی مازندرانی

سیداحمد رضا خضری^۱

نعیمه ملکی^۲

چکیده: بسیاری از مورخان و تراجم‌نگاران طرح دیدگاه‌های میرزا محمد نیشابوری اخباری در اوایل قاجاریه را تلاش نافرجام اخباری‌گری افراطی می‌دانند، اما بر اساس گزارش‌های برجای مانده از میرزا اسدالله شهرخواستی اندیشمند سده سیزدهم، نیشابوری یک صوفی بی‌اعتقاد و چندچهره بود که باوری به اخباری‌گری نداشت و از آن برای درهم شکستن اقتدار فقیهان اصولی سود می‌جست. او در این زمینه می‌کوشید از مساعدت قاجاریان و ممالیک عراق هم بهره‌مند شود و با غرب نیز مراوده داشت. از دستاوردهای این پژوهش در بررسی و تبیین دیدگاه شهرخواستی، دستیابی به مستندات هم‌سو با بیشتر دعاوی وی است. بر اساس این یافته‌ها، نیشابوری با اقدام به تحریکات سیاسی و ترویج افراطی نگرش تلفیقی اخباری-صوفی، به دشمنی با مجتهدان شیعه پرداخت و سرانجام در ۱۲۳۲ق. در کاظمین کشته شد. صدور فتوای قتل وی که فقیهان عتبات عالیات آن را صادر کردند از عوامل اصلی این حادثه به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: اخباری، اصولی، تصوف، شهرخواستی، میرزا محمد اخباری

۱ استاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) akhezri@ut.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران malekinaimeh@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۴/۱۰/۰۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۲۴

An analysis of Religious Ideas of Mirza Mohammad Akhbari from Viewpoint of Mirza Asadollah Shahrkhasti Mazandarani

Seyyed Ahmadreza Khezri¹

Naimeh Maleki²

Abstract: Many of historians and biographers consider the views of Mirza Mohammad Neyshabouri Akhbari as an unsuccessful attempt of the extreme Akhbarism in the early of Qajar era. However, according to the survived manuscripts of Mirza Asadollah Shahrkhasti, an scholar of 19th century, Neyshabouri just was a Sufi and a hypocritical man who had no belief in Akhbarism and just used it as a tool to strip the Osolian faqihs from power. He tried to make most of his relation with Qajar magistrates in Iran and Baghdad's mamluk pashas for this purpose, and Shahrkhasti also accused him to have concealed relationships with the West. One of the outcomes of this study for explaining Neyshabouri's political-intellectual attitudes is revealing some evidence consistent with most of Shahrkhasti views about Neyshabouri. Based on such evidence, Mirza Mohammad Neyshaboury showed hostility towards the Shia clergies by promotion of eclectic Sufi-Akhbari attitudes as well as political activities. Finally he was killed in Kazemein by as a result of a Fatwa issued by Shia clergies in 1232 AH.

Keywords: Akhbari, Osoli, Mysticism, Shahrkhasti, Mirza Mohammad Akhbari

1 Professor, University of Terhan (corresponding author) akhezri@ut.ac.ir

2 PhD Student of Islamic History, University of Terhan malekinaimeh@gmail.com

مقدمه

سقوط صفویه در سده دوازدهم در ایران به دست افغان‌ها، شیوه زمامداری نادرشاه افشار، تجدید نظر در وحدت سیاسی ایران بر اساس تشیع، کشمکش‌های قبیله‌ای پس از مرگ وی و حکومت کم‌دوام زندیه، موجب بی‌ثباتی سیاسی در این دوران شد.^۱ در این ایام، مکتب اخباری بر عتبات سیطره داشت، اما در نیمه دوم سده دوازدهم، وحید بهبهانی نهضت احیای علم اصول را به راه انداخت و بر سیطره اخباریان خاتمه داد.^۲ فرزندش آقامحمدعلی کرمانشاهی نیز در جلوگیری از نفوذ تصوف کوشید.^۳

در آغاز قدرت یافتن خاندان قاجار، مجتهدان زیادی از تربیت‌یافتگان مکتب اصولی وحید، نفوذ یافتند.^۴ این اقتدار در معرض چالش‌های بیرونی و درونی قرار داشت. میرزا محمد نیشابوری هندی مشهور به اخباری و محبوب برخی از صوفیان^۵ از کسانی بود که در لوای اخباری‌گری به ستیز با مجتهدان پرداخت و برخی از آنان فتوای قتل وی را صادر کردند.^۶ بسیاری از مورخان و تراجم‌نگاران این چالش را که با قتل میرزا محمد اخباری پایان یافت، تلاش نافرجام اخباری‌گری افراطی دانسته‌اند.^۷ در این میان، متکلم و اندرزنامه‌نویس سده

۱ عباس اقبال آشتیانی [بی‌تا]، *تاریخ مفصل ایران*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، [بی‌جا]: انتشارات کتابخانه خیام، صص ۷۰۶-۷۲۵؛ حامد آلگار (۱۳۵۶)، *دین و دولت در ایران (نقش علما در دوره قاجار)*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس، ص ۴۳؛ عبدالحسین نوایی (۱۳۵۶)، *کریم‌خان زند*، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، صص ۱۱-۳۴؛

Hadi Hairi (1988), "The legitimacy of the early Qajar Rule as viewed by the Shi'i Religious Leaders", *Middle Eastern Studies*, Vol. 24, No.3, p. 271; R. M. Savory (1970), *Safavid Persia*, the Cambridge History of Islam, London, Vol. 1, p. 427.

۲ الگار، همان، ص ۴۸؛

Juan Cole (1985), "Shi'i clerics in Iraq and Iran, 1722-1780: te Akhbari-Usuli conflict reconsidered", *Iranian studies*, vol. 18, p.3.

۳ میرزا محمد تنکابنی [بی‌تا]، *قصص العلماء*، [بی‌جا]: انتشارات علمیة اسلامیة، ص ۱۹۹؛ عبدالهادی حائری (۱۳۸۰)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر، ص ۳۵۹؛

Sir John Malcolm (1976), *The history of Persia from the most early period to the present time*, London: Imperial organization for the social services, Vol.2, p.388.

۴ الگار، همان، ص ۶۳؛ سیدمصالح‌الدین مهدوی (۱۳۶۸) *بیان المفاجر*، ج ۱، اصفهان و قم: نشر کتابخانه مسجد سید و نشر ذخائر، ص ۵۲؛

Ann K.S. Lambton (1970), *Persia: The breakdown of society*, the Cambridge History of Islam, London, Vol. 1, p.430.

۵ علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه (۱۳۷۰)، *اکسیرالتواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: نشر ویسمن، ص ۲۸۴.

۶ حاجی زین‌العابدین شیروانی [بی‌تا]، *بستان السیاحه*، تهران: بازچاپ از چاپ سنگی، انتشارات کتابخانه سنائی - کتابفروشی محمودی، ص ۶۱۱؛ تنکابنی، همان، ص ۱۸۰.

۷ محمدحسن اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب، ص ۱۵۳۸؛ میرفضل‌الله شیرازی خاوری (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱، تهران: وزارت

سیزدهم، میرزا اسدالله شهرخواستی (در قید حیات: در ۱۲۵۸ق) ماهیت اخباری این نزاع را نفی کرده است. پرسش مطرح در این پژوهش آن است که ماهیت فکری میرزامحمد اخباری با توجه به دیدگاه شهرخواستی چه بوده است؟ بنابر رشک بهشت (کاشف الاسرار)، اثر مخطوط برجای مانده از نامبرده، نیشابوری یک صوفی بی اعتقاد و چندچهره است که در پوشش اخباری گری، به دنبال ضربه زدن به فقهای اصولی و درهم شکستن قدرت آنهاست. همچنین به طور ضمنی به ارتباط وی با فرنگ اشاره می کند.^۱ پژوهش حاضر در پی بررسی این دعاوی شهرخواستی است. با تحقیق در منابع و مآخذ مختلف می توان به مطالبی هم سو با بیشتر نظرات وی دست یافت. اثبات قطعی تمامی دعاوی مطرح شده و یا جزئیات آنها نیازمند مستندات بیشتری است. بر اساس این یافته ها میرزامحمد، مروج افراطی نگرش تلفیقی صوفی-اخباری بود که به دشمنی با مجتهدان پرداخت. در این زمینه تلاش وی برای بهره گیری از قدرت پادشاه وقت ایران و امرای بغداد گزارش شده است. در ادامه این چالش، میرزامحمد اخباری کشته شد. صدور فتوای قتل وی که مجتهدان شیعه آن را صادر کردند از عوامل اصلی این حادثه بوده است. تبیین وضعیت اخباری گری و جایگاه میرزامحمد در این جریان و نگرش تلفیقی اخباری-صوفی با گزارش و تحلیل درباره روند تاریخی نحله های یادشده، پیش درآمدی ضروری در بررسی نظرات شهرخواستی است.

میرزامحمد اخباری و اخباری گری

مکتب اخباری پیش از قیام وحید بهبهانی در تمام جهان تشیع گسترش چشمگیری داشت،^۲ اما با نهضت اصولی وی سلطه آن محدود شد. وی شاگردان و پیروان میرز و نخبه های داشت که روش او را به درستی حفظ کردند و فقه شیعی را به سوی تکامل به پیش بردند.^۳ عصر حیات شاگردان وحید در آغاز سلسله قاجار در سده سیزدهم به علت اقتدار علما و علل سیاسی و اجتماعی دیگر در بالاترین سطح خود قرار داشت. شیخ جعفر کاشف الغطاء برای مشروعیت حکومت فتحعلی شاه قاجار به هنگام جنگ ایران و روس به وی اذن سلطنت عطا

فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۲۴۰؛ محمد ابراهیم جنتانی (۱۳۷۲)، *ادوار/اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات کیهان، ص ۳۴۶.

۱ اسدالله بن عبدالغفار شهرخواستی مازندرانی (گیل گیلانی) [بی تا]، رشک بهشت (کاشف الاسرار)، نسخه خطی، قم: کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه، شماره ۲۵۳، برگ ۹۰-۱۰۰.

۲ ابوالقاسم گرگی (۱۳۷۵)، *تاریخ فقه و فقها*، تهران: سمت، ص ۲۳۸.

۳ سیدحسین مدرّسی طباطبائی (۱۳۶۲)، *زمین در فقه اسلامی*، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۷۲.

کرد.^۱ برخی از تاریخ‌نگاران این دوره از روابط برتر فقها با نظام سلطانی با عنوان «سلطنت مآذون» یاد کرده‌اند.^۲

محمد بن عبدالنبی بن عبدالصانع نیشابوری معروف به اخباری از اهالی اکبرآباد هند در مشاهد مشرفه عراق به تحصیل پرداخت و سرانجام به سال ۱۲۳۲ق. در کاظمین به قتل رسید و همان‌جا مدفون شد. جمعی از مؤلفان تراجم‌نگار، فضل و علم وی را ستوده و او را در علوم غریبه، ماهر دانسته و به شرح آثار مکتوب وی پرداخته‌اند.^۳ شیخ جعفر کاشف الغطاء نیشابوری را در استنباط مسائل فقهی ناتوان دانسته است.^۴ وی سه پسر و یک دختر داشت. یکی از پسران در کاظمین به همراه پدر به قتل رسید. تنها دختر وی به همسری حاج ملاهادی سبزواری فیلسوف عصر قاجاری درآمد.^۵

میرزا محمد اخباری در اوان حکومت قاجار با داعیه دفاع از اخباری‌گری به دشمنی با مجتهدان پرداخت. صدور حکم قتل وی از ناحیه علما در کشاکش این جدال، ارتباطی به نزاع اخباری و اصولی ندارد. در این رویارویی فکری نه تنها فتوای قتل صادر نشده، بلکه موارد بی‌شماری از تعامل و مدارا میان آنها در جریان بوده است. وحید بهبهانی پس از درگذشت شیخ یوسف بحرانی اخباری و بنابر وصیت خود شیخ بر جنازه وی نماز خواند.^۶ ملا احمد نراقی از فقهای بزرگ اصولی با وجود نقد اخباریان^۷ نماز گزاردن پشت سر اخباری را با قید اوصافی جایز می‌دانست.^۸ شیخ جعفر کاشف الغطاء با همه تصلّی که در جدال با اخباریان داشت، کتاب رساله الحقّ المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه جهال الاخباریین را برای پسرش شیخ علی، در تبیین حقیقت مذهب طرفین اخباری و اصولی نگاشت و اینکه عقایدشان در اصول دین مثل هم است و درباره روایات مربوط به فروع دین، مرجع همه آنان روایات

۱ شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء، ج ۱، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی)، ص ۳۳۳.

۲ سید محسن طباطبایی فر (۱۳۸۴)، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه (دوره صفویه و قاجاریه)، تهران: نشر نی، ص ۱۷۵.

Ann K.S. Lambton (1970), "A Nineteenth Century View of Jihad", *Studia Islamica*, No. 32, p.187.

۳ میرزا محمدعلی مدرّس (ای‌تا)، ریحانة الأدب، ج ۱، تبریز: کتابفروشی ختّام، ص ۸۵؛ محمد معصوم شیرازی (۱۳۳۹)، طرائق الحقایق، تصحیح محمد جعفر محجوب، ج ۱، تهران: کتابخانه بارانی، ص ۱۸۳.

۴ سید محسن امین (۱۴۰۳ق)، أعيان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ص ۱۰۲.

۵ محمدعلی معلّم حبیب‌آبادی (۱۳۵۱)، مکارم الآثار، ج ۳، اصفهان: انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، ص ۹۴۴.

۶ عباس محدّث قمی (ای‌تا)، فوائد الرضویه، ج ۲، (ای‌جا): انتشارات مرکزی، ص ۴۰۷.

۷ ملا احمد نراقی (۱۳۹۰)، معراج السعادة، به کوشش مجید جلینی و نیلوفر قلی‌پور، تهران: نشر جمهوری، ص ۸۹.

۸ سیدسجاد ایزدهی (۱۳۸۶)، اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی، قم: بوستان کتاب، ص ۲۳.

مأثور از امامان (ع) است. پس مجتهد، اخباری است و اخباری، مجتهد است و فضیلتی طرفین از رستگاران اند و طعنه‌زندگان از هلاک شوندگان اند.^۱ همچنین میرزای قمی می‌نویسد گفتارهایی که در میان اصولی و اخباری و مجتهد و غیرمجتهد است، نقلی به دین و ملت و کفر و اسلام ندارد.^۲ این شواهد همگی نشان می‌دهد که مواضع فقها علیه نیشابوری به علت رویکرد اخباری وی نیست. پس باید علت‌های دشمنی شدید ققیهان علیه او را در عوامل دیگری جست‌وجو کرد.

در بررسی سوانح ایام حیات میرزاحمد گزارش‌های متعددی درباره روابط خصمانه او با فقها وجود دارد. به نظر می‌رسد وی در ابتدا چنین رویکردی نداشته و بعدها به تندی گراییده است. در این زمینه او در رجال خود، علامه بحر العلوم شاگرد برجسته و جانشین وحید بهبهانی را یک فقیه مدقق، ثقه، ورع و نادره عصر خود وصف می‌کند که عدالت و فقاہتش مورد اتفاق همه عالمان شیعه است.^۳ از میرزاحمد مهدی شهرستانی شاگرد برجسته و مورد عنایت وحید بهبهانی و آقامحمدعلی کرمانشاهی فرزند وحید نیز به عنوان دو تن از مشایخ اجازه خود با اوصاف بلند و احترام فراوان یاد کرده است،^۴ اما مواضع بعدی وی در اهانت به مجتهدان نشان‌دهنده تغییر روش و گرایش به افراط شدید است. او به تنقیص علمی وحید بهبهانی پرداخته و تعبیر موهنی را علیه وی به کار می‌برد. بهبهانی را «بهتانی» و گاه «نهروانی» می‌خواند و به سیدمحسن کاظمی، حلال دانستن برخی از معاصی را نسبت می‌داد. میرزا ابوالقاسم قمی و یارانش را «قاسمه» و سیدعلی صاحب ریاض و یارانش را «ازارقه» و شیخ جعفر کاشف الغطاء را اموی می‌خواند و فقیه مروانیان خطاب می‌کرد. روز درگذشت کاشف الغطاء را عید قرار داده و اظهار سرور می‌کرد و در بالای منبر، آیات قرآنی پیرامون فرجام کافران و ستمگران را برای درگذشت وی به کار می‌برد. روابط او با دو تن از مراجع

۱ شیخ جعفر کاشف الغطاء [بی تا]، الحق المبین فی تصویب رأی المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۶۹۷۴، برگ ۱-۴؛ سیدمصلح الدین مهدوی (۱۳۶۷)، بیان سبیل الهدایة فی ذکر أفتاب صاحب الهدایة یا تاریخ علمی واجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۱، قم: دار الذخائر، ص ۶۶.

۲ میرزا ابوالقاسم محقق قمی (۱۳۶۴)، «جوابات مسائل رکنیه»، قم‌نامه، سید حسین مدرّسی طباطبائی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ص ۳۵۵.

۳ سیدمحمد مهدی بحر العلوم طباطبائی (۱۳۸۵/۱۹۶۵م)، رجال السید بحر العلوم، تحقیق و تعلیق محمدصادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، ج ۱، نجف: مطبعة الآداب، ص ۴۸.

۴ میرزا محمدباقر موسوی خوانساری (۱۳۹۲ق)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، ج ۷، قم: انتشارات اسماعیلیان، ص ۱۳۸.

اصفهان یعنی حاجی کلباسی و سیدشفتی تیره بود. هواداران نیشابوری لعن بر علما را بر روی دیوارها می‌نوشتند و علمای اصفهان را لعن می‌کردند. او به تقابل با سید دلدار علی نقوی نیز پرداخت. بر کتاب *اساس الاصول* وی که در نقد فوائد مدنیّه استرآبادی بود، ردّی به نام *معاول العقول لقلع اساس الاصول* نوشت. دلدار علی، ریاست مذهبی شیعیان هند را داشت و صاحب جواهر، وی را با عناوینی چون «خاتم المجتهدين» و «آيت الله العظمی فی الاولین و الآخريں» می‌ستاید. یکی از فقهای شیعه هند به نام احمدعلی حسینی لکنهویی در پاسخ میرزا محمد، کتاب *مطارق الحق و اليقين على معاول العقول* را نگاشت.^۱ بنا بر نوشته صنيع الدوله: مقتول، به علمای عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار توهینات می‌آورد لاسیما با فقیه اجلّ شیخ جعفر نجفی صاحب *کشف الغطاء* - رضی الله عنه - مکاتبات ناسزاوار دارد.^۲

با وجود اینکه میرزا محمد در ناسزاگویی و دشنام علیه مجتهدان بی‌باک بود، اما دو عامل مهم بر عمق دشمنی وی و علما افزود. نخست چنگ انداختن بر علوم غریبه و طلسمات و در نتیجه مشهور شدن به اهل کرامات و دیگری مرآده با رجال سلطنتی قاجاریّه در ایران و الیان ممالیک در بغداد چرا که تلاش می‌کرد آنان را به مخالفت و دشمنی با مجتهدان برانگیزاند.^۳ میرزا محمد پس از اینکه مراجع شهرهای مقدس نجف، کربلا و کاظمین وی را طرد کردند به ایران نقل مکان نمود و چون در بیشتر علوم غریبه از نیرنجات، طلسمات، اعداد و تسخیرات مهارت خوبی داشت، مورد نظر فتحعلی شاه واقع و مقرب خاقان شد.^۴ از جمله کارهای مشهور او کشته شدن «ایشپخدر» سردار روسی با توسل به ریاضت و طلسمات او بود.^۵ به گفته جعفریان موارد تردیدآمیزی هم درباره آن وجود دارد،^۶ اما توجّه خاندان

۱ خوانساری، همان، ج ۲، ص ۲۰۵ و ج ۷، ص ۱۳۸؛ تنکابنی، همان، ص ۱۸۰؛ محمدحسین کاشف الغطاء (۱۴۱۸ق)، *العبيقات العنبرية في الطبقات الجعفرية*، تحقیق جودت القزوينی، بیروت: بیسان، للنشر والتوزيع، صص ۹۹، ۱۸۳؛ مدرّس، همان، ج ۶، ص ۲۳۱؛ جعفر سبحانی (۱۴۱۸ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، صص ۱۳، ۱۲۷، ۴۸۱.

۲ محمدحسن اعتمادالسلطنه (صنيع الدوله) (۱۳۰۱ق)، *مطلع الشمس*، ج ۳، تهران: چاپ سنگی، [بی‌نا]، ص ۱۶۷.

۳ تنکابنی، همان، ص ۱۷۹؛ کاشف الغطاء، همان، ص ۱۸۵؛ اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب، ص ۱۵۳۸؛ میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۶۷)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ص ۶۹۱.

۴ محمدتقی بن محمدعلی سپهر کاشانی (۱۳۰۴ق)، *ناسخ التواریخ (قاجاریه)*، ج ۱، ایران: [بی‌نا]، ص ۷۶؛ علی دوانی (۱۳۶۲)، *وحید بهبهانی*، تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۶.

۵ رضاقلی خان هدایت (۱۳۷۳)، *فهرس التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۴۹؛ رضاقلی خان هدایت (۱۳۸۰)، *تاریخ روضة الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیان‌فر، ج ۱۳، تهران: اساطیر، ص ۷۵۵۷.

۶ شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۳۹۱)، *دو رساله «المسائل و الاجوبه» و «کشف الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء»*.

قاجار به نیشابوری تداوم یافت. برخی از تألیفات وی به درخواست شاهزادگان و امرای قاجاری تألیف شد، مانند پاسخ به پرسش‌های کلامی حاکم همدان^۱ و آئینه عباسی و یا مالی عباسی که در ۱۲۳۰ق. به امر عباس میرزا ولیعهد (م ۱۲۴۹ق.) در ردّ یهود و نصاری و مجوس و اثبات نبوت خاصّه نگارش یافت،^۲ اما این دوستی میرزامحمد با دربار، فراز و فرودهایی داشت. دربار فتحعلی شاه به علّت تعامل با فقهای قدرتمند وقت در ایران و عراق که مخالف الفت شاه با نیشابوری بودند و نیز به جهت ترس از آسیب‌های احتمالی وی به شاه به سبب دست داشتن در طلسمات و تسخیرات، از او حمایت کامل نکرد و وی را راهی عتبات نمود.^۳

تصوّف و اخباری‌گری

ماهیت غالب اخباری‌گری، نگرش خاصّ در چگونگی تبیین احکام و فقه امامیه و منابع اجتهاد است که در نیمه نخست سده یازدهم هجری توسط محمدامین استرآبادی بنیان نهاده شد.^۴ با در نظر گرفتن چستی جداگانه هر یک از دو جریان صوفی‌گری و اخباری‌گری، تمایز آنها روشن و بدیهی است؛ چنانچه برخی از شخصیت‌های مشهور اخباری نظیر شیخ حرّعاملی و صاحب حدائق و غیره مخالف تصوّف بودند. الاثنا عشریّة فی ردّ علی الصوفیّة و نفحات الملوکیّة فی ردّ علی الصوفیّة را این دو شخصیت اخباری در نقد تصوّف نگارش کرده‌اند.^۵ از سویی، برخی از عارفان و صوفیان با گرایش به اخباری‌گری، موجب پیدایی یک نگرش تلفیقی شده‌اند.

ابن‌ابی‌جمهور احسانی صاحب کتاب عوالی اللآلی و یکی از دانشمندان بنام شیعه در اواخر سده نهم و اوایل سده دهم،^۶ به حکمت و تصوّف گرایش داشته است.^۷ وی حدود یک قرن پیش از امین استرآبادی زندگی می‌کرد و در کتاب‌های خود و از جمله عوالی اللآلی از مشرب

تصحیح و تحقیق رسول جعفریان، نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۱۸.

۱ خوانساری، همان، ج ۷، ص ۱۲۹.

۲ شیخ آقا بزرگ تهرانی اَبی‌نا، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، اَبی‌جا: دار الکتب العلمیه، اسماعیلیان نجفی، صص ۲، ۵۳، ۳۱۸.

۳ تنکابنی، همان، ص ۱۷۹؛ خاوری، همان، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴ جنّاتی، همان، ص ۳۰۷.

۵ محمدبن حسن حرّعاملی (۱۴۰۰ق.)، الاثناعشریة، تحقیق شیخ محمد درودی تفرشی و سیدمهدی حسینی الازوردی، ج ۱، قم:

دار الکتب العلمیه، ص ۲۰۲؛ محدث قمی، همان، ج ۲، ص ۷۱۳.

۶ مدرّس، همان، ج ۷، ص ۳۳۱.

۷ عبدالله تبریزی اصفهانی افندی (۱۴۰۱ق.)، ریاض العلماء، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۵، قم: مطبعة خیتام، ص ۵۱؛ عبدالله

مامقانی (۱۳۵۲ق.)، تنقیح المقال، ج ۳، نجف اشرف: مطبعة مرتضویة، ص ۱۵۱؛ محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی اَبی‌نا،

رسالة سه اصل، مقدّمه سیدحسین نصر، اَبی‌جا: اَبی‌نا، مقدّمه ص ۱۸.

اخباری پیروی کرده و دور نیست که فکر او در پیدایش اندیشهٔ امین استرآبادی و همفکرانش مؤثر بوده است.^۱ البته در اوج گسترش اخباری‌گری شخصیت‌هایی با نگرش تلفیقی ظاهر شدند. فیض کاشانی یکی از شخصیت‌های بزرگ عرفان نظری در جهان تشیع به شمار می‌رود. وی در حوزهٔ تبیین احکام فقهی، مسلک اخباری افراطی داشته و در کتاب خود به نام *سفینه النجاة* روش اجتهاد را کفر دانسته است.^۲ جعفری لنگرودی، فیض کاشانی را از سردمداران بزرگ اخباری‌گری در جنبش اخباری عصر صفوی برمی‌شمارد و از مواضع تلفیقی وی اظهار شگفتی می‌کند.^۳ باید توجه کرد که افراطی‌گری بزرگان متقدم جنبش اخباری‌گری نظیر استرآبادی و کاشانی مورد نقد مجتهدان و حتی اخباریان میانه‌رو چون صاحب *حلائق* قرار گرفته است،^۴ اما این همه نشان از همانندی رویکرد آنان با میرزامحمد نیست. هیچ‌یک از فقها دیدگاهی که نسبت به میرزامحمد داشتند، حتی علیه اخباریان تندرو هم اتخاذ نکرده‌اند. میرزامحمد نیشابوری از جمله کسانی است که نظرات تلفیقی دارد. او از یک سو به شدت از اخباری‌گری جانب‌داری کرده و آثار متعددی در این موضوع پدید آورده است^۵ و از سوی دیگر، گرایش خود به عرفان و تصوف را نشان می‌دهد. این جهت‌گیری در جانب‌داری وی از ابن‌عربی بزرگ‌ترین شخصیت تصوف نظری آشکار می‌شود. نیشابوری از ابن‌عربی با تعبیر «اکابر العرفا» یاد کرده^۶ و تلاش می‌کند وی را به امامیه منسوب کند.^۷ مستند میرزامحمد در این انتساب آوردن مطلبی از ابن‌عربی در نفی قیاس است.^۸ این استناد فاقد اتقان لازم است. نفی قیاس به فقه امامیه اختصاص ندارد، بلکه فقه ظاهری اهل سنت که

۱ دوانی، همان، ص ۸۹.

۲ ملامحسن فیض کاشانی [ابی‌تا]، *سفینه النجاة*، ترجمهٔ محمدرضا تفرشی، [ابی‌جا]: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی، ص ۱۴۱.

۳ محمدجعفر جعفری لنگرودی (۱۳۷۰)، *مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام*، تهران: گنج دانش، ص ۲۸۴.

۴ شیخ‌یوسف بحرانی (۱۴۰۵ق)، *حلائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، تصحیح محمدتقی ایروانی و سیدعبدالرزاق مقرم، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ص ۱۴؛ شیخ‌یوسف بحرانی (۱۴۲۹ق)، *لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحديث*، تحقیق سیدمحمد صادق بحر العلوم، منامه بحرین: مکتبه فخرآوی، ص ۱۱۶.

۵ معلم حبیب‌آبادی، همان، ج ۳، صص ۹۲۵-۹۴۴؛ نیشابوری در کتاب خود (*مصادر الانوار* [ابی‌تا]: [ابی‌جا]: [ابی‌تا]، چاپ سنگی) به تفصیل به نقد اجتهاد پرداخته؛ همچنین در اثر دیگرش (*رسالة البرهانية* (۱۳۴۱ق)، مطبعة الفلاح، دنکور) در ترویج سلوک اخباری‌گری کوشیده است.

۶ خوانساری، همان، ج ۸، ص ۵۶.

۷ محسن جهانگیری (۱۳۶۷)، *محل‌الدین بن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۳۵۴-۳۶۰.

۸ همان، ص ۳۵۸.

خاستگاهش اسپانیا بود نیز آن را نفی می‌کند^۱ و بنا بر نوشته خود ابی‌عربی و چند منبع دیگر زادگاه وی شهر مرسیه در اندلس بود.^۲ نهانی وی را سنی مالکی می‌داند؛^۳ همچنین ابن‌عربی را در فروع پیرو احمد بن حنبل نوشته‌اند.^۴ ابن‌خلکان و جهانگیری وی را مقلد کسی ندانسته‌اند، بلکه یک صوفی سنی مجتهد می‌شمارند.^۵ بنابر نوشته شهرخواستی میرزاحمد در کتاب میزان التمييز فی علم العزیز، شرحی در منازل عشق و دفاع تمام‌عیار از عقیده «وحدت وجود» به عمل آورده است.^۶ با وجود این، دو جلد از آثار میرزاحمد در نقد تصوف نگارش یافته است: نفثة الصبور و رساله‌ای در ردّ وحدت وجود و توجه صوفیان در نماز و دعا به مرشد.^۷ از سویی میرزاحمد، نظر شیخ‌یوسف درازی بحرانی را نقد می‌کند^۸ که ملاصدرا را فیلسوف و صوفی بحت دانسته است.^۹

نقد نیشابوری نسبت به تصوف را نمی‌توان به معنای نفی تصوف پنداشت، بلکه می‌توان آن را مشابه نگرش بسیاری از عارفان و فیلسوفان اشراقی دانست که در عین پابندی به جهان‌شناسی عرفان و تصوف از میان تفسیرها و قرائت‌های متفاوت از این معرفت‌شناسی، به نفی برخی از آنها پرداخته‌اند و در ابرام بعضی دیگر می‌کوشند. مسئله دیگر مواضع جانبدارانه برخی از تراجم‌نگاران صوفی‌گرا درباره میرزاحمد است که وی را شهید وصف کرده‌اند.^{۱۰} حاج

۱ جعفری لنگرودی، همان، صص ۲۴۲، ۲۴۳.

۲ محی‌الدین محمد بن علی بن عربی (۱۴۲۰ق)، الفتوحات المکیة، تصحیح احمد شمس‌الدین، ج ۷، بیروت: منشورات محمد علی بیضون دارالکتب العلمیة، ص ۳۰۴؛ احمد بن ابی‌ک حسینی ابن‌دمیاطی، به نقل از ابن نجار (بی‌تا)، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد / و مدینه سلام، تحقیق قیصر ابوفرح، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۲۸؛ احمد بن محمد مقرئ تلمسانی (۱۳۸۸ق)، نفح الطیب من غصن الاندلس / الرطب، تحقیق احسان عباس، ج ۲، بیروت: دار صادر، ص ۱۶۳.

۳ یوسف بن اسماعیل نهانی (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، جامع کرامات الاولیاء، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، ج ۱، بیروت: دارالفکر، ص ۲۰۰.

۴ محی‌الدین محمد بن علی بن عربی (۱۳۷۷)، ترجمان الاشواق، ترجمه و شرح رینولد نیکلسون، پیشگفتار مارتین لینگر، ترجمه و مقدمه گل‌بابا سعدی، تهران: انتشارات روزبه، مقدمه ص ۱۱.

۵ ابی‌عباس شمس‌الدین احمد بن خلکان (۱۳۶۴)، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباس، قم: منشورات شریف رضی، ج ۷، ص ۱۱؛ جهانگیری، همان، ص ۳۵۹.

۶ شهرخواستی، رشک بهشت، برگ ۶۰ و ۹۳ - ۹۵.

۷ سیدعبدالله (بی‌تا)، لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، [بی‌جا]، [بی‌نا]، ص ۱۳۰؛ محمدتقی دانش‌پژوه (۱۳۴۰)، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، تهران: [بی‌نا]، ص ۱۶۸۶.

۸ مقدمه جعفریان بر شیخ‌جعفر کاشف الغطاء، دو رساله ...، ص ۱۶.

۹ بحرانی، همان، ص ۱۲۷.

۱۰ هدایت، فهرس التواریخ، ص ۳۷۷؛ حاجی زین‌العابدین شیروانی (بی‌تا)، بستان السیاحه، تهران: باز چاپ از چاپ سنگی، انتشارات کتابخانه سنائی-کتابفروشی محمودی، ص ۶۱۱.

زین‌العابدین شیروانی (م. ۱۲۵۳ق) ملقب به «مست‌علی‌شاه» یا «مستعلی‌شاه» که پس از درگذشت مجذوب‌علی‌شاه در ۱۲۳۸ق. بیشتر یارانش وی را به عنوان قطب انتخاب کردند،^۱ یکی از صوفیان اخباری مسلک بوده و گرایش تلفیقی دارد. وی به صورت جانبدارانه از میرزا محمد و مشی اخباری او دفاع می‌کند.^۲ الگار به نقل از یک منبع خارجی می‌نویسد: مکتب اخباری فقط مدت کوتاهی در همدان تداوم حیات یافت.^۳ شهرخواستی به مرآوده میرزا محمد اخباری با مشایخ صوفیه همدان چون صدرالدین دزفولی، مجذوب و کوثر اشاره می‌کند.^۴ میرزا محمد رضا همدانی ملقب به کوثر (نخست) (م. ۱۲۴۷ق) از جانب نورعلی‌شاه سمت معاضد و رفیق مجذوب‌علی‌شاه را داشت.^۵ بنا بر نوشته اعتمادالدوله، میرزا محمد رضا همدانی، کوثر (نوه کوثر نخست و همنام و هم‌لقب وی) به میرزا محمد اخباری می‌پیوندد.^۶ حاج میرزا علی نقی معروف به جنّت‌علی‌شاه (م. ۱۲۹۶ق) ساکن کرمان پسر ملّارضا همدانی (کوثر پدر) و پدر میرزا محمد رضا همدانی (کوثر پسر) بود. او و یکی دیگر از اقطاب صوفیه به نام صمدعلی‌شاه، هر دو اخباری بودند و از آن پس بزرگان سلسله کوثریه مشی اخباری اختیار کردند.^۷

نظرات میرزا اسدالله شهرخواستی در اندیشه‌های اعتقادی میرزا محمد اخباری

میرزا اسدالله بن عبدالغفار بن آقای (آقایی) شهرخواستی متخلص به «نادر» و «نادر طبری» متّصف به «شهرخواستی گیل گیلانی»، «شهرخواستی مازندرانی» و «اشرفی»، بنا به تصریح خود و تراجم‌نگاران از اهالی اشرف (بهشهر) مازندران است. وی در نواحی مختلف ایران از جمله شمال، اصفهان و تبریز به تحصیل پرداخت و مدّتی هم در نجف بوده است.^۸ اشکوری از وی

۱ سعید نفیسی (۱۳۶۱)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، ج ۲، تهران: انتشارات بنیاد، ص ۴۱؛ عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۶۹)، دنباله جستجو در تصوّف ایران، تهران: امیرکبیر، صص ۴۰۶، ۳۴۲.

۲ شیروانی، همان، صص ۶۱۱-۶۱۳.

3 Algor, Hamid (1969), *Religion and state in Iran (1785-1906) The role of the Ulama in the Qajar period*, Berkeley and Los Angeles: University of California press, p66.

۴ شهرخواستی، رشک بهشت، برگ ۹۰.

۵ زرین‌کوب، همان، ص ۳۴۱.

۶ محمدحسن اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) (۱۳۷۴)، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، ص ۲۲۱.

۷ نورالدین مدرّسی چهاردهی (۱۳۶۰)، سلسله‌های صوفیه ایران، [بی‌جا]: انتشارات بنونک، ص ۱۹۴.

۸ اسدالله بن عبدالغفار شهرخواستی مازندرانی (گیل گیلانی) [بی‌تا]، ریاض‌الآرواح، نسخه خطی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، نسخه خطی ۳۶۱۶. برگ ۴؛ اسدالله بن عبدالغفار شهرخواستی مازندرانی (۱۳۸۶)، «خصایل الملوک»، سیاست‌نامه‌های قاجاری (رسائل سیاسی)، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، ج ۱، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ص ۱۳؛ غلامحسین زرگری‌نژاد (۱۳۸۶)، سیاست‌نامه‌های قاجاری، ج ۱، ص ۵۱؛ رضاقلی‌خان هدایت (۱۳۸۸)، تذکره ریاض

با عنوان «اسدالله اشرفی» و فردی فاضل، ادیب، منشی، شاعر، متبحر در فلسفه و کلام و آگاهی‌های وسیع در ادیان و عقاید نام می‌برد.^۱ درباره استادان وی گزارشی در دست نیست. یک بیت از اشعارش حاکی است که تولدش در سال ۱۱۹۰ ق. بوده است.^۲ میرزا اسدالله به سال ۱۲۵۸ ق. از تألیف *ریاض الارواح فراغت* یافت (همو، برگ آخر) و پس از آن اطلاعی از او در دست نیست، اما یکی از دوستانش، رساله *عبرة الناظرین* وی را به همراه کتاب خود *مطرح الانظار* به چاپ رسانده و از او با عبارت «تعمده الله بغفرانه و اسکنه بحیوة جنانه» یاد کرده است. تاریخ چاپ سنگی این رساله ۱۲۸۵ ق. ذکر شده و نشان می‌دهد که در این تاریخ، شهرخواستی در قید حیات نبوده است.^۳

آثار شهرخواستی در شعر، ادب، کلام، اخلاق و سیاست است. کامل‌ترین فهرستی که از مکتوبات وی در میان کتاب‌های تراجمی ارائه شده، بیشتر از نه اثر است.^۴ نگارندگان این مقاله که در پی پژوهش درباره اندیشه سیاسی نامبرده بودند، توانستند نه اثر دیگر را بر آنها بیفزایند که مجموع آنها بالغ بر هجده جلد می‌شود: *خصایل الملوک*؛ *رشک بهشت* (کاشف الاسرار)؛ *عبرة الناظرین و استبصار الباصرین*؛ *فرجیه*؛ *اصول و فروع عقاید صوفیه*؛ *دیوان*؛ *زشت و زیبا*؛ *لب لباب*؛ *ریاض الشفاعة*؛ *نصیحة الولد*؛ مجموعه *ریاض الجنة* یا *هشت بهشت*، مشتمل بر *ریاض الارواح*؛ *ریاض الدهور*؛ *ریاض الاحبار*؛ *ریاض الاطهار*؛ *ریاض الاطوار*؛ *ریاض الاوراد*؛ *ریاض الاحراز* و *ریاض الاجور*.^۵ چهار اثر نخست به اضافه *ریاض الارواح* به صورت مطبوع و مخطوط موجودند و از سرنوشت باقی آنها اطلاعی در دست نیست.

شهرخواستی یکی از رجال سیاسی جهانگرد عصر خویش بوده است و در دفاع از عقاید و اندیشه‌های کلامی شیعه به نقد و ردّ نحله‌ها و فرقه‌های غیرشیعی و غیراسلامی می‌پردازد.^۶ با

العارفین، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۵۴؛

غلامحسین زرگری نژاد (۱۳۸۲)، *مجمع الفصحاء*، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ص ۵۲۰.

۱ سیداحمد حسینی اشکوری (۱۴۲۲ ق)، *تراجم الرجال*، ج ۱، قم: دلیل ما، ص ۱۴۶.

۲ شهرخواستی، *ریاض الارواح*، برگ ۷.

۳ محمودبن میرزا کاظم مازندرانی (۱۲۸۷ ق)، *مطرح الانظار*، بمبئی: چاپ سنگی، ص ۲۵۶.

۴ نورالدین علیلو و دیگران (۱۴۲۹ ق)، *موسوعة مؤلفی الامامة*، ج ۴، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ص ۳۵.

۵ همان؛ شهرخواستی، «خصایل الملوک» *سیاست نامه‌های قاجاری*، ج ۱، ص ۵۲۷؛ شهرخواستی، *ریاض الارواح*، نسخه خطی شماره ۳۶۱۶، برگ ۵.

۶ اسدالله‌بن عبدالغفار شهرخواستی مازندرانی (گیل‌گیلاتی)، *عبرة الناظرین و استبصار الباصرین*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، نسخه خطی به شماره ۹۰۲۳/۳؛ برگ ۷۳ و ۷۴؛ شهرخواستی، «خصایل الملوک» *سیاست نامه‌های قاجاری*، ج ۱، ص ۵۲۸.

دراویش و صوفیان که چندی با آنان بسر برده و اشعاری در مذاق آنان سروده و آن را «زشت و زیبا» نامیده و مورد تحسین آنان قرار گرفته است،^۱ سرستیز دارد و چهار اثرش را به نقد آنان اختصاص داده است.^۲ امّا رضاقلی خان هدایت که خود از مسلک تصوف پیروی می‌کرد، در زندگی‌نامه شهرخواستی می‌نویسد: «او کتاب‌هایی در ضدّیت با تصوف نگاشته بود که از سوی جمعی مورد ملامت و تهدید قرار گرفت و شاهنشاه آن کتاب‌ها را توقیف و ضبط کرد و وی را از معارضه با تصوف بازداشت».^۳ هدایت سپس درباره ندامت میرزا اسدالله از خصومت با تصوف و روی آوردن به این مسلک خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد در اینجا مقصود از شاهنشاه، محمدشاه (م. ۱۲۶۴ق) است. این شاه قاجاری همراه با صدراعظم حاجی میرزا آغاسی، در حمایت از تصوف کوشا بودند.^۴ هدایت می‌افزاید: میرزا اسدالله از مشایخ علمای معاصرین، به شیخ احمد لحسوی و میرزا ابوالقاسم شیرازی اظهار اخلاص می‌کرد.^۵

در آثار شهرخواستی قرآینی موجود است که صحّت چرخش وی را مورد تردید قرار می‌دهد؛ همانند آثار ترس و تقیّه در عدم طرح نقد علیه صوفیه و آن هم در رویکرد کلامی و نقد تمامی نحله‌های مشهور.^۶ همچنین شهرخواستی با وجود سخن هدایت به مخالفت با میرزا ابوالقاسم شیرازی پرداخته و از وی برائت جسته است.^۷ با این همه، حقیقت مبانی اعتقادی شهرخواستی و تحولات آن و دیدگاه او نسبت به تصوف و عرفان نظری، یا شیخ احمد احسابی و کشف درستی سخنان رضاقلی خان هدایت به بررسی و تحقیق نیاز دارد که از حوصله این نوشتار خارج است.

شهرخواستی در کتاب کاشف الاسرار یا رشک بهشت که در سال ۱۲۲۷ق. و در زمان حیات میرزا محمد اخباری (م. ۱۲۳۲ق) در ردّ تصوف نگاشته، بخشی از این کتاب را به نقد وی اختصاص داده و بر این باور است که دفاع میرزا محمد از اخباری‌گری، پوششی بیش نیست. وی یک صوفی بی‌اعتقاد و چندچهره است که در پی ضربه زدن به فقه‌های اصولی و درهم شکستن قدرت آنهاست؛ همچنین او را به صورت تلویحی با فرنگ مرتبط دانسته است

۱ شهرخواستی، رشک بهشت، برگ ۱۵.

۲ شیخ‌آغازگ تهران، همان، ج ۱۶، ص ۱۵۷؛ نورالدین علیلو و دیگران، همان، ج ۴، ص ۳۵.

۳ هدایت، مجمع الفصحاء، ص ۶۵۴.

۴ اقبال آشتیانی، همان، صص ۸۱۰، ۸۱۸.

۵ هدایت، همان، ص ۶۵۵.

۶ شهرخواستی، عبرة الناظرین، برگ ۷۳ و ۷۴؛ شهرخواستی، خصایل الملوك، سیاست‌نامه‌های قاجاری، ج ۱، ص ۵۲۸.

۷ شهرخواستی، رشک بهشت، برگ ۷۷.

که در اینجا به گزارش کوتاهی از آن بسنده می‌شود. شهرخواستی می‌نویسد: «حاج میرزا محمد اخباری در مملکت ایران مدعی بود که من از خواص شیعیانم و با وجود اینکه در باطن اخباریین را لعن می‌کند و در ظاهر ایشان را سپر الحاد خویش کرده و در مملکت ایران رساله ردّ بر مذاهب حقّه مجتهدین عظام تصنیف و تألیف کرده، آن رساله را میزان التَّمییز نام نهاده. بعضی از فقرات آن رساله را درین کتاب خواهم نوشت که مسلمانان را از کفر آن گمراه مطلع و آگاه کنم و چون از مملکت ایران بحسب الامر خاقان ملایک پاسبان ایران - فتحعلی شاه - خلدالله ملکه او را راندند در مملکت روم - قلمرو عثمانی و شهر بغداد - رفت و رساله ردّ بر مذهب امامیه نوشته است». شهرخواستی در ادامه می‌افزاید: «میرزا محمد اخباری بخشی از این کتاب ضدّ شیعه را برای برخی از مشایخ صوفیه غرب ایران فرستاد که اگر مصلحت شد آن را میان عوام و خواص پخش کنند و الاً تا وقت مقتضی و مناسب پنهان دارند تا آن زمان نشر کنند».^۱ مطالبی که شهرخواستی از آن اثر ارسالی نقل می‌کند، حاوی مواضع سلفیان افراطی در برابر شیعیان و عقاید شیعه و مخالفت با عزاداری امام حسین (ع) و حتی دفاع از معاویه و عدم جواز لعن بر یزید است.^۲ همچنین شهرخواستی گزارشی درباره شرح شهرهای عشق و مراحل آن و دفاع تمام و کمال از عقیده وحدت وجود از نظر میرزا محمد اخباری ارائه می‌کند.^۳ شهرخواستی در انتهای گزارش خود، به صورت کنایه نیشابوری را با غرب مرتبط دانسته و می‌نویسد: «وی خود، ترک مصاحبت مشتاقان بزم وصال کرده و هرزه گردی شعار فرموده، اکنون از قرار طرق اخبار مختلفه، به مملکت فرنگ تشریف بردند تا در آن مملکت مذهب خویش را کامل فرمایند».^۴ این گزارش شهرخواستی، با ادبیات تند اینگونه پایان می‌یابد:

اذا كان الغراب دليل قوم سيهديهم سبيل الهالكين

در نوشته‌های شهرخواستی سه موضوع قابل توجه وجود دارد. ارتباط میرزا محمد اخباری با غرب، مواضع متضاد اعتقادی به عنوان یک صوفی چندچهره و ملحد و دشمنی شدید با مجتهدان. در مورد بخش نخست سخن شهرخواستی در بررسی چندین منبع و آثار تراجمی، مطلبی یافت نشد؛ جز اینکه خوانساری از کتاب تحفة الامین میرزا محمد، مطالبی درباره

۱ شهرخواستی، همان، برگ ۹۰.

۲ همان، برگ ۹۲.

۳ همان، برگ ۶۰ و ۹۳ - ۹۵.

۴ همان، برگ ۹۹.

اثبات مهدویت نقل کرده که در آن دربارهٔ ارتباط وی با پادری یوسف مسیحی انگریزی و تحقیق از محلّ جزیرهٔ خضرا سخن به میان آمده است.^۱ در بخش دوم گفته‌های شهرخواستی یعنی رویکردهای دوگانه و متضادّ اعتقادی و مذهبی میرزاحمد اخباری له و علیه شیعه در ایران و بغداد، در برخی از منابع مطالبی هم‌سو یافت می‌شود. شیخ‌جعفر کاشف‌الغطاء خطاب به وی می‌نویسد: کارهایی می‌کنی که کوه را از جای تکان می‌دهد. تبدیل و تحریف اخبار و اینکه مدّتی به حاکمان بغداد پناه برده بودی تا تشیع را خراب کنند، امّا حتّی آنان نیز قبول نکرده از تو اعراض کرده و از کشور اخراج کردند و دروغ‌های تو را نپذیرفتند.^۲

شیخ‌موسی کاشف‌الغطاء از مراجع برجسته نجف به شمار می‌رفت از پدرش درباره برترین فقیه پرسیدند گفت: «من و پسر م موسی و شهید اول». ^۳ هنگامی که وی به بغداد رفت، شیعیان بغداد با تمهید سیدعبدالله شبّر مرجع دینی آن سامان از وی استقبال بسیار گرمی به عمل آوردند. میرزاحمد اخباری خبر ورود شیخ‌موسی به بغداد را به سعیدپاشا حاکم این شهر رسانید و وی را به قتل شیخ‌موسی تشویق کرد. سخنان تحریک‌کننده او با جهت‌گیری ضدّشیعی همراه بود، به طوری که پاشای مذکور سوگند یاد کرد که شیعیان را قتل‌عام کند و شیخ‌موسی را از طریق دعوت به یک مهمانی به قتل برساند. ^۴ خوانساری، میرزاحمد را دارای کردارهای زشت و باورهای کفرآور فاسد توصیف می‌کند. ^۵ محمدحسین کاشف‌الغطاء می‌نویسد: میرزاحمد در هند به دنیا آمده و از فیلسوفان کهن الحادی کیش هندو تأثیر پذیرفته و به ظاهر مسلمان، اما در باطن کافر بود. او صوفی مسلک و معتقد به تناسخ و حلول بود و اندیشه‌های مشابه و عقیده‌ای فاسد داشت. ^۶ بر اساس مستندات که پیش‌تر در این پژوهش ارائه شد، سخنی درباره گرایش میرزاحمد به تصوّف وجود ندارد. همچنین رفتارهای دوگانه و متضادّی از وی نقل شده که اثبات قطعی برخی از آنها و یا جزئیاتشان نیازمند شواهد و مستندات بیشتری است. امّا برای این موضوع که وی به علّت زندگی در هند متأثر از کیش هندو شده یا دارای عقیده حلولی و تناسخی بوده در مصنّف العقبات العنبريّة

۱ خوانساری، همان، ج ۷، ص ۱۳۷.

۲ مقدمه رسول جعفریان بر شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، دو رساله ...، ص ۹۰؛ خوانساری، همان، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳ جعفر شیخ‌باقر آل‌محبوبه (۱۳۷۶ق)، ماضی‌النجف و حاضرها، ج ۳، بیروت: مطبعة النعمان، ص ۱۹۹.

۴ کاشف‌الغطاء (محمدحسین)، همان، ص ۱۸۵.

۵ خوانساری، همان، ج ۲، ص ۲۰۲.

۶ همان، صص ۸۷، ۹۷، ۱۰۲.

منبع و مأخذی بیان نشده است. تقریرات صوفیه درباره مسئله توحید و وجود متفاوت است؛ ثنویت وجود که لازمه حلول است مورد پذیرش همه صوفیان نیست.^۱ میرزاحمد در یکی از آثارش، از اصحاب حلول با دید منفی یاد می‌کند.^۲ البته می‌توان مایه‌های عقاید هندو را در تصوف یافت،^۳ اما نسبت دادن تأثر مستقیم نیازمند اسناد و شواهد لازم است.

بخش سوم، سخنان مؤکد شهرخواستی درباره میرزاحمد اخباری و خصومت وی با مجتهدان تا حد ضربه زدن و براندازی است.^۴ تنکابنی با این نظر کاملاً هم‌رأی بوده و می‌نویسد: اخباری به فتحعلی‌شاه وعده داد که سر اشپخدر (سیسیانوف) سردار روسی را در عرض چهل روز در تهران حاضر می‌کنم مشروط بر اینکه سلوک اجتهاد را منسوخ نمایی و بن و بیخ مجتهدان را قلع و قمع نمایی و مسلک اخباری‌گری را در ایران رایج گردانی؛ شاه هم شرط وی را پذیرفت.^۵ الگار درباره ماهیت این پذیرش شاه قاجار که هرگز عملی نشد، به بحث می‌پردازد و آن را وعده‌ای جدی نمی‌داند.^۶

تاریخ آغاز دشمنی نیشابوری با مجتهدان و واکنش متقابل آنان معلوم نیست، اما دارای سوابق طولانی است. یکی از احکام صادره علیه وی به عصر حیات آقا محمدعلی کرمانشاهی (م ۱۲۱۶ق.) برمی‌گردد. کرمانشاهی و آقا سیدعلی صاحب ریاض تصمیم گرفتند نیشابوری را از عراق اخراج کنند. نامه‌ای به شیخ جعفر کاشف الغطاء نوشته و پرسیدند: «چه می‌گویی در مورد کسی که در دین بدعت گذارد و تلاش در اتلاف شریعت سید المرسلین نموده و به فساد در روی زمین پردازد و با اولیای الهی محاربه نماید؟». شیخ جعفر اکبر در پاسخ آن دو با استناد به احکام اسلامی محاربه به تبعید وی حکم کرد.^۷ میرزاحمد خود این حکم تبعید و وضعیت نابهنجار اخباریان را یادآوری می‌کند.^۸ حکم مهم‌تر فتوای قتل او است که مجتهدان صادر کرده‌اند. سیدعبدالله حسینی اصفهانی گزارش نسبتاً جامعی را درباره صدور فتوای قتل به

۱ عبدالله نعمه (۱۳۶۷ق.)، فلاسفه شیعه، ترجمه سیدجعفر غضبان، [بی‌جا]: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ص ۴۹۰؛ عباس زریاب خویی (۱۳۶۸)، بزم آورد، تهران: انتشارات محمدعلی علمی-سخن، ص ۳۴۳.

۲ مقدمه جعفریان بر شیخ جعفر کاشف الغطاء، دو رساله ...، ص ۲۵.

۳ آقامحمودبن محمدعلی آل‌آقا (۱۴۱۳ق.)، تنبیه الغافلین و ایقاظ الراقدين، قم: انتشارات انصاریان، صص ۳۳-۴۳.

۴ شهرخواستی، رشک بهشت، برگ ۹۵.

۵ تنکابنی، همان، ص ۱۷۹.

۶ الگار، همان، ص ۹۳.

۷ کاشف الغطاء (محمدحسین)، همان، ص ۱۰۲.

۸ مقدمه جعفریان بر شیخ جعفر کاشف الغطاء، دو رساله ...، ص ۲۵.

دست فقها و کشته شدن اخباری تقریر کرده که در اینجا به صورت کوتاه به آن اشاره می‌شود: میرزا محمد در منابر و محافل کاظمین، شیخ مرحوم (کاشف الغطاء کبیر) را سب و لعن می‌کرد. سید محمد مجاهد (م. ۱۲۴۲ ق.) او را از این کار نهی فرمود، اما وی نه فقط نپذیرفت، بلکه اسباب آزار وی را نیز فراهم کرد. آقا سید محمد نزد شیخ موسی پسر شیخ جعفر (که پس از پدرش سرآمد فقها بود) رفت و وی را در جریان کار قرار داد. شیخ موسی بی‌درنگ با گروهی از مردم نجف با جلال و شوکت وارد کاظمین شد و در آنجا انجمنی از علما همانند سید عبدالله شبّر، شیخ اسدالله و آقا سید محمد مجاهد تشکیل دادند و از شیخ موسی استفتا کردند که درباره میرزا محمد اخباری چه می‌فرمایید که پیوسته به سب علما می‌پردازد؟ در پاسخ نوشت: «قتل او واجب است و هر که در قتل او شریک شود من ضامن هستم بر او بهشت را». این حکم را علمای دیگر امضا کردند و به دست یکی از گماشتگان آقا سید عبدالله شبّر دادند تا بر مردم عوام قرائت کردند. چون داودپاشا این فتوا را شنید، او هم کمک کرد و عوام را شورانید. جماعتی که از نجف و بغداد آمده بودند، با عوام و اشرار کاظمین همدست شدند و اجتماعی غریب بر پاشد و او را به قتل رساندند.^۱ ممالیک عراق حاکمان گرجی عصر عثمانی بودند که به آنان «آچیق‌باش» می‌گفتند و حکومتشان از ۱۱۶۲-۱۲۴۷ ق. / ۱۷۴۹-۱۸۳۱ م. تداوم یافت.^۲ اسعدپاشا (سعید) و داودپاشا دو تن از ممالیک بر سر حکومت بغداد نزاع داشتند. اخباری با سعیدپاشا بنای دوستی و مراوده گذاشت تا بتواند از نفوذ وی برای غلبه بر خصم خویش بهره‌مند شود. داودپاشا رقیب وی به علت ترس از گرفتاری در طلسمات و نیرنجات اخباری در قتل وی همکاری کرد.^۳ حرزالدین در بخشی از گزارش خود درباره قتل اخباری شانزده نفر از اهالی نجف با پیشگامی یکی از بزرگان بیوت نجف را عامل قتل وی نام می‌برد که به قصد قربت به این کار مباشرت کردند.^۴ شیخ آغا بزرگ می‌نویسد: «میرزا محمد اخباری به خاطر نگارش کتاب *السلام المرونق فیمن تکفر و تزندق* در ۱۲۳۲ ق. در کاظمین کشته شد».^۵

۱ سید عبدالله، همان، ص ۱۳۴؛ معلم حبیب‌آبادی، همان، ج ۳، ص ۹۴۳.

۲ عباس عزاوی (۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ م)، *تاریخ العراق بین احتلالین*، قم: انتشارات شریف رضی، ص ۳۶، ۲۹۳؛ Cole, Ibid, vol.18, p.5.

۳ خاوری، همان، ج ۱، ص ۲۳۹؛ سید عبدالله، همان، ص ۱۳۴.

۴ محمد حرزالدین (۱۴۰۵)، *معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدباء*، تعلیق محمدحسین حرزالدین، ج ۲، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ص ۳۳۶.

۵ شیخ آغا بزرگ تهرانی، همان، ج ۱۲، ص ۲۲۱.

نتیجه گیری

بنابر آنچه که گذشت اسدالله شهرخواستی مازندرانی (در قید حیات در سال ۱۲۵۸ق.) صاحب تألیفاتی در حوزه کلام و اخلاق و سیاست، بر این باور است که میرزامحمد اخباری یک صوفی بی اعتقاد با مواضعی دوگانه و گاه متضاد است که باوری به اخباری گری ندارد، بلکه از این مسئله به عنوان ابزاری برای درهم شکستن قدرت مجتهدان شیعه بهره می برد. در بررسی این دیدگاه مشخص می شود که میرزامحمد نیشابوری وابسته به نگرش تلفیقی صوفی-اخباری بود که با استفاده از علوم غریبه، جانبداری از تصوف و تظاهر افراطی به اخباری گری به معارضه شدید با قاطبه مجتهدان شیعه در عراق، ایران و هند پرداخت. دشمنی وی با ابزارهایی چون شهرت یافتن به کرامات، رویارویی با ادبیاتی موهن و تلاش برای بهره گیری از قدرت قاجاریان در ایران و پادشاهان ממالیک عراق علیه مجتهدان همراه بود. همچنین مواردی از رفتارهای دوگانه و متضاد در طرفداری و مخالفت با تشیع در ایران و عراق از او گزارش شده است. البته مجادله و نزاع های نوشتاری و گفتاری میان وی و فقها سالها به طول انجامید، اما ثمری در پی نداشت. سرانجام فتوای قتل او را مجتهدان شیعه در عتبات عالیات صادر کردند و این حکم از عوامل اصلی قتل وی به شمار می رود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی و عربی

- آل آقا، آقا محمود بن محمد علی (۱۴۱۳ق)، تنسیه العاقلین و ایقاظ الراقدين، قم: انتشارات انصاریان به ضمیمه فضایح الصوفیه آقا محمد جعفر آل آقا.
- آل محبوبه، جعفر شیخ باقر (۱۳۷۶ق)، ماضی النجف و حاضرها، بیروت: مطبعة النعمان.
- ابن خلکان، ابی عباس شمس الدین احمد (۱۳۶۴)، وفیات الأعیان و انباء انباء الزمان، تحقیق احسان عباس، قم: منشورات شریف رضی.
- ابن دمیاطی، احمد بن ابیک حسینی، به نقل از ابن نجار [بی تا]، المستفاد من ذیل تاریخ بغداد او مدینه اسلام، تحقیق قیصر ابوفرح، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عربی، محیی الدین محمد بن علی (۱۴۲۰ق)، الفتوحات المکیه، تصحیح احمد شمس الدین، بیروت: منشورات محمد علی بیضون دارالکتب العلمیه.
- ---- (۱۳۷۷)، ترجمان الاشواق، ترجمه و شرح رینولد نیکلسون، پیشگفتار مارتین لینگر، ترجمه و مقدمه گل بابا سعدی، [بی جا]: انتشارات روزه.

- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰)، *اکسیر التواریخ*، به اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: نشر ویسمن.
- اعتماد السلطنه (صنیع‌الدوله)، محمدحسن (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- ----- (۱۳۰۱ق)، *مطلع الشمس*، تهران: چاپ سنگی، [بی‌نا].
- ----- (۱۳۷۴)، *المآثر والآثار*، به اهتمام ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- اقبال آشتیانی، عباس [بی‌تا]، *تاریخ مفصل ایران*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، [بی‌جا]: انتشارات کتابخانه خیام.
- الگار، حامد (۱۳۵۶)، *دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.
- امین، سیدمحمسن (۱۴۰۳ق)، *أعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۸۶)، *اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی*، قم: بوستان کتاب.
- بحر العلوم طباطبایی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۵ش/۱۹۶۵م)، *رجال السید بحر العلوم*، تحقیق و تعلیق محمدصادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، نجف: مطبعة الآداب.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۵ق)، *حداث الناصره فی أحكام العترة الطاهرة*، تصحیح محمدتقی ایروانی و سیدعبدالرزاق مرقم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ----- (۱۴۲۹ق)، *لؤلؤة البحرين فی الاجازات و تراجم رجال الحديث*، تحقیق سیدمحمدصادق بحر العلوم، منامه بحرین: مکتبه فخرآوی.
- تبریزی اصفهانی افندی، عبدالله (۱۴۰۱ق)، *ریاض العلماء*، تحقیق سیداحمد حسینی، قم: مطبعة خیام.
- تنکابنی، میرزا محمد [بی‌تا]، *قصص العلماء*، [بی‌جا]: انتشارات علمیة اسلامیة.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۰)، *مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام*، تهران: گنج دانش.
- جنّاتی، محمدابراهیم (۱۳۷۲)، *ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- جهانگیری، محسن (۱۳۶۷)، *محمّد بن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۰)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۰ق)، *الاثنا عشریة*، تحقیق شیخ محمد درودی تفرشی و سیدمهدی حسینی ازوردی، قم: دار الکتب العلمیة.
- حرزالدین، محمد (۱۴۰۵)، *معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدباء*، تعلیق محمدحسین حرزالدین، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حسینی اشکوری، سیداحمد (۱۴۲۲ق)، *تراجم الرجال*، قم: دلیل ما.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار، تهران: امیرکبیر.
- خاوری، میرزا فضل الله شیرازی (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰)، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران.
- دوانی، علی (۱۳۶۲)، وحید بهبهانی، تهران: امیرکبیر.
- زریاب خویی، عباس (۱۳۶۸)، بزم آورد، تهران: انتشارات محمد علی علمی-سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سپهر کاشانی، محمدتقی بن محمدعلی (۱۳۰۴ق)، ناسخ التواریخ (قاجاریه)، ایران: [بی نا].
- سیدعبدالله [بی تا]، لؤلؤ الصدف فی تاریخ النجف، [بی جا]: [بی نا].
- شهرخواستی مازندرانی (گیل گیلانی)، اسدالله بن عبدالغفار [بی تا]، ریاض الأرواح، نسخه خطی، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی، شماره ۳۶۱۶.
- ----- (۱۳۸۶)، خصایل الملوک، سیاست نامه های قاجاری (رسائل سیاسی)، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ----- [بی تا]، رشک بهشت (کشف الاسرار)، نسخه خطی، قم: کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه، شماره ۲۵۳.
- ----- [بی تا]، عبرة الناظرین و استنبصار الباصرین، نسخه خطی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، شماره ۹۰۲۳ / ۳.
- شیخ آغانزرگ تهرانی، [بی تا]، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، [بی جا]: دار الکتب العلمیة، اسماعیلیان نجفی (جلد ۱۲ تاریخ نشر ۱۴۰۸ق است).
- شیروانی، حاجی زین العابدین [بی تا]، بستان السیاحه، تهران: باز چاپ از چاپ سنگی، انتشارات کتابخانه سنائی-کتابفروشی محمودی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم [بی تا]، رساله سه اصل، مقدمه، سیدحسین نصر، [بی جا]: [بی نا].
- طباطبایی فر، سیدمحسن (۱۳۸۴)، نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه (دوره صفویه و قاجاریه)، تهران: نشر نی.
- عززای، عباس (۱۳۷۲ق/ ۱۹۵۳م)، تاریخ العراق بین احتلالین، قم: انتشارات شریف رضی (افست ۱۳۶۹ش/ ۱۴۱۰ق).
- علیو، نورالدین و ... (۱۴۲۹ق)، موسوعة مؤلفی الامامية، قم: ناشر مجمع الفکر الاسلامی.
- فیض کاشانی، ملاحسین [بی تا]، سفینه النجاة، ترجمة محمد رضا تفرشی، [بی جا]: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اسلامی.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر [بی تا]، الحق المبین فی تصویب رأی المجتهدین و تخطئة جهال الاخباریین، نسخه خطی، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۶۹۷۴.
- ----- (۱۳۹۱)، دو رساله «المسائل و الاجوبه» و «کشف الغطاء عن معایب میرزا محمد عدو العلماء»، تصحیح و تحقیق رسول جعفریان، تهران: نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ---- (۱۴۲۲ق)، کشف الغطاء عن مبهمات شریعة العراء، قم: بوستان کتاب انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۴۱۸ق)، العقبات العنبرية فی الطبقات الجعفرية، تحقیق جودت القزوينی، بیروت: بیسان، للنشر والتوزيع.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، تاریخ قفه و قفها، تهران: سمت.
- مازندرانی، محمودبن میرزا کاظم (۱۲۸۷ق)، مطارح الانظار: بمبئی، چاپ سنگی.
- مامقانی، عبدالله (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال، نجف اشرف: مطبعة مرتضویه.
- محدث قمی، عباس [بی تا]، فوائد الرضویه، [بی جا]: انتشارات مرکزی.
- محقق قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۶۴)، «جوابات مسائل رکنیه»، قم نامه، سیدحسین مدرسی طباطبایی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- مدرس، میرزا محمدعلی [بی تا]، ریحانة الأدب، تبریز: کتابفروشی خیام.
- مدرسی چهاردهی، نورالدین (۱۳۶۰)، سلسله‌های صوفیه ایران، [بی جا]: انتشارات بتونک.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۶۲)، زمین در قفه اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- معصوم شیرازی، محمد (۱۳۳۹)، طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: کتابخانه بارانی.
- معلم حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۵۱)، مکارم الآثار، اصفهان: انتشارات انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان.
- مقرئ تلمسانی، احمدبن محمد (۱۳۸۸ق)، نفخ الطیب من غصن الأندلس الرطیب، تحقیق احسان عباس، بیروت: دار صادر.
- موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر (۱۳۹۲ق)، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۶۸)، بیان المفآخر، اصفهان و قم: نشر کتابخانه مسجد سید و نشر ذخائر.
- ---- (۱۳۶۷)، بیان سبل الهدایة فی ذکر أعقاب صاحب الهدایة (تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر)، قم: دارالذخائر.
- نبهانی، یوسف بن اسماعیل (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، جامع کرامات الاولیاء، تحقیق ابراهیم عطوه عوض، بیروت: دارالفکر.
- نراقی، ملا احمد (۱۳۹۰)، معراج السعاده، به کوشش مجید جلینی و نیلوفر قلی‌پور، تهران: نشر جمهوری.
- نعمه، عبدالله (۱۳۶۷ق)، فلاسفة شیعه، ترجمه سیدجعفر غضبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- نفیسی، سعید (۱۳۶۱)، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، تهران: انتشارات بنیاد.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۵۶)، کریم خان زند، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین.
- نیشابوری اخباری، میرزا محمد (۱۳۴۱ق)، رسالة البرهانیة، مطبعة الفلاح، دنکور.

- -----[بی‌تا]، مصادر الانوار، [بی‌جا]: [بی‌نا]: چاپ سنگی.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۸)، تذکرة ریاض العارفین، مقدمه و تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- -----(۱۳۸۰)، تاریخ روضة الصفای ناصری، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- -----(۱۳۷۳)، فهرس التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- -----(۱۳۸۲)، مجمع الفصحاء، تهران: امیرکبیر.

ب. لاتین

- Algor, Hamid (1969), *Religion and state in Iran (1785-1906) the role of the Ulama in the Qajar period*, Berkeley and Los Angeles: University of California press.
- Cole, Juan (1985), "Shi'i clerics in Iraq and Iran, 1722-1780: the Akhbari-Usuli conflict reconsidered", *Iraian studies*, Vol. 18, pp.3-34.
- Hairi-Hadi (1988), "The legitimacy of the early Qajar Rule as viewed by the Shi'i Religious Leaders", *Middle Eastern Studies*, Vol. 24, No.3, pp.271-286.
- Lambton, Ann K.S. (1970), "A Nineteenth Century View of Jihad", *Studia Islamica*, No.32, pp.181-192.
- Lambton, Ann K.S. (1970), *Persia: The breakdown of society*, the Cambridge History of Islam, Vol. 1, London.
- Malcolm, Sir John (1976), *The history of Persia from the most early period to the present time*, Vol. 2, London: Imperial organization for the social services.
- Savory, R.M. (1970), *Safavid Persia*, the Cambridge History of Islam, Vol. 1, London.